

## حمایت برژینسکی از شاه

۱۷ بهمن ۱۴۰۲ ساعت ۲۳:۲۹

دیدگاه‌های برژینسکی پیرامون انقلاب ایران دیدگاه‌هایی خاص بود. او معتقد بود آمریکا می‌بایست تا آخر در کنار شاه بماند. دیدگاه برژینسکی در تضاد با دیدگاه کسانی بود که معتقد بودند شاه به اندازه کافی ضعیف شده است و دیگر نمی‌توان از او مانند سابق حمایت کرد.

با آشکار شدن ضعف سیاسی حکومت پهلوی دوم و احتمال قطعی پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای غربی نیز در نحوه مواجهه خود با حکومت دچار دودستگی شدند. یک دسته معتقد بودند باید حمایت از شاه را کنار گذاشت و دسته‌ای دیگر بر این باور بودند که باید تا آخر کنار شاه ماند و از او حمایت کرد. زبگنیف (زیبگنیو) برژینسکی مشاور امنیت ملی دولت کارتر از جمله کسانی بود که از دیدگاه دوم به صورت پررنگ حمایت می‌کرد. برژینسکی در ارائه دیدگاه‌های خود دلایل خاصی داشت و تا آخر نیز بر سر مواضع خود ماند. او از حامیان اصلی حکومت غیرنظامی و نیز کودتای نظامی نیز بود. برژینسکی معتقد بود در صورت شکست پروژه حمایت از شاه، باید از دولت غیرنظامی (بختیار) حمایت کرد.

### مواضع برژینسکی درباره شاه و انقلاب

دیدگاه‌های برژینسکی پیرامون انقلاب ایران دیدگاه‌هایی خاص بود. او معتقد بود آمریکا می‌بایست تا آخر در کنار شاه بماند. دیدگاه برژینسکی در تضاد با دیدگاه کسانی بود که معتقد بودند شاه به اندازه کافی ضعیف شده است و دیگر نمی‌توان از او مانند سابق حمایت کرد. اما برژینسکی در ارائه دیدگاه خود، استدلال‌های خاصی داشت. تا جایی برای عملی کردن این دیدگاه، لزوم جنگ مسلحانه را نیز الزامی و منطقی می‌دانست. به عبارتی در صورت اعلام جنگ مسلحانه، صف‌بندی‌هایی در میان نیروهای نظامی و مردم هوادار و حامی رژیم پهلوی و مخالفان آن صورت می‌گرفت که معلوم نبود دامنه تخصصات آن تا کجا گسترش یابد. این اتفاقاً همان چیزی بود که رژیم پهلوی و شخص شاه و حامیان آمریکایی اش در شورای امنیت ملی نظیر برژینسکی، به دنبال آن بودند. [۱]

برژینسکی برای اجرای دیدگاه خود دست به اقدامات زیادی نیز زد. او در این راستا شخصا با افراد زیادی از جمله اردشیر زاهدی ارتباط برقرار کرد. البته ظاهراً برخی از مقامات و کارشناسان سیاسی آمریکا با این موضوع مخالف بودند؛ زیرا معتقد بودند تماس برژینسکی باعث تردید شاه نسبت به آمریکا می‌شود. موضوعی که بعدها عینیت یافت و شاه با بیان توطئه آمریکا علیه خود نسبت به این کشور دچار تردید شد. سایرونس ونس با بیان این موضوع در خاطرات خود عنوان نموده است وقتی این موضوع را با برژینسکی در میان گذاشته است او به شدت آن را تکذیب کرده است. هر چند سایرونس ونس بر دیدگاه خود پافشاری داشته

با این حال برژینسکی در خاطرات خود اظهار داشته است عمده تماس‌هایی که در این دوره با مقامات ایرانی صورت گرفته است از سوی کسانی چون هایزر بوده است. برژینسکی به هدف هایزر از اقدامات خود در ایران نیز پرداخته است. او عنوان داشته است که هدف ماموریت هایزر این بود که به حفظ قدرت یک دولت غیر نظامی بعد از شاه کمک کند. من با دولت بختیار موافق بودم، اما همچنین اصرار داشتم که هایزر باید ارتش ایران را برای دست زدن به یک کودتا بدنبال سقوط احتمالی بختیار آماده نماید. [۳]

بر این اساس گزینه پیشنهادی دیگر برژینسکی، حمایت از یک دولت غیرنظامی بود. به عبارتی اولویت اول برژینسکی حفظ شاه بود؛ اما او در درجه دوم معتقد بود در صورت عدم تحقق این هدف باید از یک دولت غیرنظامی حمایت کرد. حفظ حکومت با زور و خشونت از جمله کودتا نیز از دیگر گزینه‌های پیشنهادی برژینسکی بود. او در راستای اجرایی شدن این گزینه از هیچ روش غیرانسانی ابایی نداشت و بر این باور بود که حکومت پهلوی به هر طریقی که شده باید حفظ شود؛ زیرا حفظ شاه یک ویژگی کلیدی برای منافع ملی آمریکا به خصوص در مقابله با شوروی و کمونیسم است.

برژینسکی در روی کار آمدن بختیار نیز نقش کلیدی داشت. او در خاطرات خود پیرامون این موضوع آورده است: «در ۲۳ و ۲۴ ژانویه بر سر موضوع چندین جلسه میان خودمان و نیز با رئیس جمهور داشتیم. عکس‌العمل ابتدائی رئیس جمهور فوق العاده مثبت بود. وقتی من طرح بختیار را برای او تشریح کردم با صدای بلند گفت: عالیست. اما سایروس ونس به شدت اظهار می‌کرد که نتیجه این عمل ایجاد بی‌نظمی‌های شدید خواهد بود و ممکن است حتی آیت‌الله خمینی در این جریان کشته شود و رویهم رفته نتایج پیش‌بینی نشده‌ای به بار آورد». [۴]

برژینسکی در ادامه اظهارات خود حتی بیان کرده است که اگر بختیار نیز مایل به رویارویی با امام خمینی بود باید از او حمایت کنیم. برژینسکی حتی یکی از حامیان سرکوب بزرگ مردم در ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ بود. برخی از منابع مدعی شده‌اند که برژینسکی دو روز پیش از حوادث خونبار ۱۷ شهریور به ایران آمده بود و از این اقدامات حمایت کرد. دیدگاه‌های برژینسکی تأثیر زیادی بر حوادث سیاسی ایران داشت و حتی می‌توان گفت تحولات اخیر ایران متأثر از دیدگاه‌های او بود. چنانچه شاهد آنیم که بختیار بعد از فرار شاه از کشور به عنوان نخست‌وزیر زمامدار حکومت شد. ظاهراً قرار بود در صورت شکست بختیار، کودتا نیز صورت بگیرد که این موضوع با توجه به عواقب خطرناک آن و مهیا نبودن شرایط محقق نشد. البته مخالفت برخی از سران غربی و تحلیلگران سیاسی نیز در عدم تحقق این موضوع تأثیرگذار بود. با این حال با پیروزی انقلاب اسلامی مشخص شد دیدگاه‌های برژینسکی فاقد منطق بوده و از رویکرد واقع‌بینانه برخوردار نبوده است.

سخن نهایی

برخی معتقدند که آمریکا در سال ۵۷ و با آشکار شدن ضعف سیاسی شاه در برابر مخالفان، دست از حمایت او برداشت و حتی در توطئه‌ای از پیش تعیین شده در برابر شاه قرار گرفت. این دیدگاه، دیدگاهی است که شاه نیز بر آن باور داشت و سقوط خود را

توطئه آمریکا می‌دانست. اما برخلاف این تصور، سردمداران آمریکا نیز در قبال حوادث ایران دچار دودستگی شده بودند و از اتخاذ یک تصمیم واحد عاجز بودند. عدم پذیرفته شدن دیدگاه برژینسکی نیز تنها به دلیل آن بود که آمریکا از عواقب آن می‌ترسید. به عبارتی سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی آمریکا به این نتیجه رسیده بودند که حمایت از شاه دیگر فایده‌ای ندارد و باید انقلاب مردم را به رسمیت شناخت. این دیدگاه، تصمیمی منطقی و واقع‌بینانه بود که برخی از جمله شاه آن را به معنای توطئه آمریکا تلقی کردند.

[۱] - موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷

[۲] - سایروس ونس، انتخاب دشوار: سال‌های بحرانی در سیاست خارجی آمریکا، ترجمه، خیرالله خیری اصل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، صص ۵۶-۵۷

[۳] - برژینسکی، اسرار سقوط شاه، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۶۲، ص ۷۷

[۴] - برژینسکی، همان، صص ۱۰۲ - ۱۰۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/49505/شاه-برژینسکی-حمایت/>